

قیام 29 بهمن تبریز

سال 1356 در تاریخ انقلاب اسلامی، جایگاه بسیار مهم و سر نوشت سازی را دار است.



سال 1356 در تاریخ انقلاب اسلامی، جایگاه بسیار مهم و سر نوشت سازی را دار است. رویدادهای این سال جهت گیری کلی وقطعی آینده نهضت را مشخص نمود. گرچه قیام خونین 15 خنن 42 ماهیت اسلامی نهضت ضد شاهنشاهی را آشکار ساخته بود ولی در پی حوادث و قیامهای مردمی سال 56 نیروهای مذهبی رهبریت نهضت را بطور کامل دردست گرفتند و جریانات غیر مذهبی اعم از ما رکسیستی، ملی گرا و... به حاشیه رانده شده و مجبور به متابعت و همراهی با رهبریت مذهبی نهضت یعنی امام خمینی (ره) گردیدند. مهمترین حوادث سال 56 عبارتند از: در گذشت ناگهانی و مشکوک فرزند امام، درج مقاله ای توهین آمیز در روزنامه اطلاعات، قیام مردم قم و قیام 29 بهمن تبریز. بنابه اهمیت موضوع در این مقال بر آئینم تا بطور مختصر ریشه ها، جریان و پیامدهای حماسه 29 بهمن تبریز را مورد بررسی قرار دهیم.

در روز اول آبان سال 56 آیت سید مصطفی خمینی، فرزند برومند و یار دیرین امام خمینی (ره) بطور ناگهانی و بطور مشکوکی در نجف اشرف در گذشت. فوت نا بهنگام ایشان در داخل کشور و در بین مردم مسلمان ایران، عنوان شهادت یافت و شایعاتی مبنی بر دست داشتن ساواک در این ماجرا منتشر شد. البته این شایعات چندان هم بی پایه نبود سید مصطفی، فرزند بزرگوار امام، همواره در سفرو حضر همراه ایشان بود و در پیشبرد نهضت اسلامی نقش بسزایی را ایفا می نمود. ایشان به عنوان دست راست امام در بسیاری از تصمیم گیر یها و جریانات مهم نهضت، شریک بود و به نوعی رابط امام با نیروهای انقلابی محسوب می شد. در پی فوت ایشان، مجالس یاد بود و بزرگداشت با شکوهی در سراسر کشور برگزار گردید و این مجالس، خود باعث گسترش هر چه بیشتر پیام نهضت و از سوی دیگر بخاطر صبر و شکیبایی امام (ره) در برابر این مصیبت (که آن را از الطاف خفیه الهی بر شمردند) باعث افزایش محبوبیت امام خمینی در داخل کشور شد. بر گزاری با شکوه مجالس بزرگداشت فوت سید مصطفی خمینی، وحدت و همدلی مردم و نیروهای مذهبی را افزوده و پایه های لزان رژیم پهلوی را متزلزل تر نمود

در پی اوج گیری محبوبیت امام خمینی، رژیم پهلوی به تدبیری ساده لوحانه دست زد که به یک معنا باعث کوبیده شدن آخرین میخ بر تابوت آن رژیم شد. رژیم پهلوی که محبوبیت فوق العاده امام را بزرگترین عامل وحدت مردم، پیشبرد نهضت و تزلزل ارکان خود میدید، به خیال خام خود به این فکر افتاد تا به طریقی باعث شکسته شدن قدا ست و حرمت امام خمینی در بین مردم شود و شاید بتواند در روند نهضت خلل ایجاد کرده و به نوعی از امام انتقام بگیرد.

در روز 17 دیماه 1356 مقاله ای در روزنامه اطلاعات با عنوان "ایران واستمار سرخ و سیاه" و به قلم فردی با نام مستعار "ر شیدی مطلق" منتشر شد. تهیه و چاپ مقاله مذکور به افراد مختلفی از جمله وزیر اطلاعات وقت و دفتر نخست وزیری نسبت داده میشود. ولی به نظر می رسد مقاله مذکور به دستور شخص شاه و توسط ساواک تدوین شده بود. در این مقاله سر تا سر توهین آمیز با وقاحت تمام تلاش شده بود قیام خونین 15 خرداد و شخصیت رهبر اسلامی و روحانیون متعدد و مردمی زیر سوال برود و امام خمینی به طرفداری از ملاکین، شهرت طلبی و عامل استعمار بودن متهم گردد.

عکس العمل صبو رانه امام در برابر این مقاله، هوشیاری روحانیون و بیداری و عمق علاقه مردم به امام باعث شد تا انتشار این مقاله نتیجه ای معکوس برای رژیم بدنال داشته باشد. انتشار این مقاله با واکنش شدید روحانیون و مردم سراسر ایران مواجه شد علاوه بر واکنش تند و خشم و نفرت عمومی در کل کشور، شهر قم بطور ویژه ای به این اها نت گستا خانه پاسخ گفت.

روز 19 دیماه 56 در شهر قم وضعیتی غیر عادی حکمفرما شد علاوه بر حوزه علیمه، بازارها و مغازه ها ی شهر نیز تعطیل شد و مردم با سرازیر شدن به خیا بانها خشم و انز جار خود از این اقدام مذبحخانه را به نمایش گذاشتند. بد بنال تیر اندازی ماموران رژیم به سوی تظاهر کنند گان، مردم نیز به دفاع از خود پرداخته و شیشه های بانکهای صادرات (که متعلق به یک سرمایه دار بهایی بود) و ساختمان حزب رستاخیز را شکستند. تعداد کشته ها و زخمی ها به حدی بود که بیمارستان های شهر مملو از مجروحین و شهدا شده بود و عملا امکان پذیرش، مداوا و کمک رسانی به آن همه مجروح وجود نداشت.

کشتار خونین مردم قم باعث اعتراض شدید مردم در دیگر شهرها و بی آبرویی رژیم در داخل و خارج کشور گردید. 19 دیماه 56 را روز شروع اوج گیری دوباره نهضت و ضربه پذیری رژیم پهلوی میدانند. این واقعه باعث گسترش انقلاب و ابلاغ پیام آن در سراسر کشور

شد. هر روز که از فاجعه کشتار مردم قم میگذشت، دامنه نفرت و خشم مردم ایران از این اقدام پهلوی افزون تر شده و رژیم نیز فرارسیدن سقوط خود را نزدیک تر می دید.

روز 29 بهمن 56 ناگهان تبریز به پا خاست. این روز مصادف با چهلمین روز قیام مردم و به شهادت رسیدن جمع کثیری از مردم آن شهر بود. در این روز به مناسب چهلمین روز بزرگداشت شهدای قم در سراسر کشور مجالس ترحیم و یاد بود بر گزار می گردید

از چند روز قبل اعلامیه ای بصورت بسیاری گسترده در شهر تبریز تو زیع شد. در اعلامیه مذکور که با هماهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبایی و توسط سید محسن موسوی تبریزی تنظیم شده بود یازده تن از علمای طراز اول تبریز خواستار تعطیلی بازار تبریز، تشکیل مجلس یاد بود و بزرگداشت شهدای 19 دی قم شده بودند. این اطلاعیه از روز 26 بهمن در بیشتر مکانهای عمومی شهر نصب گردید و در آن، روز 29 بهمن روز عزا و تعطیل عمومی اعلام شد. تعدادی از مردم نیز به جرم پخش و توزیع این اعلامیه توسط ساواک و نیروهای شهر بانی بازداشت شدند.

طبق اطلاعیه فوق زمان مراسم 29 بهمن، 10 صبح تا 12 در مسجد قزلی (حاج میرزا یوسف) تعیین شد. در ساعت مقرر، مردم و بازاریان با تعطیل نمودن مغازه ها و بازارهای به سوی مسجد سرازیر شدند ولی با درهای بسته مسجد مواجه گردیدند. علت بسته شدن درب مسجد ممانعت شهربانی از ورود مردم به آن بود. از طرفی نیروهای شهر بانی تلاش برای متفرق ساختن مردم را آغاز کردند.

روز 29 بهمن مصادف با شنبه و اول هفته و همزمان با امتحانات برخی از دانشجویان بود. در این روز علاوه بر اینکه شهر حالت تعطیل به خود گرفت، حدود نیمی از دانشجویان نیز از حضور در دانشگاه خودداری کردند و بخش زیادی از دانشجویان هم که در دانشگاه حضور داشتند به تظاهرات، دادن شعار و شکستن شیشه ها و تعطیل کردن کلاسهای پرداختند و حدود ساعت 11 از دانشگاه خارج و به طرف مرکز شهر حرکت نمودند.

از طرف دیگر از ساعت 9 صبح عده ای از بازاریان و طلاب مدرسه طالبیه با تجمع در مقابل مسجد جامع قصد حرکت دسته جمعی به سوی مسجد قزلی را داشتند که به دلیل ممانعت مامورین شهر بانی این تجمع نیز به درگیری با ماموران انجامید.

مردمی که با درب بسته مسجد قزلی مواجه شده بودند، خواستار گشوده شدن آن شدند. در پی اصرار مردم و عدم موفقیت نیروهای شهربانی برای پراکنده ساختن مردم، سرگرد حق شناس رئیس کلانتری شهر روبه سوی مردم با لفظی توهین آمیز از مسجد یاد نمود. این اقدام وی باعث خشم مردم شد و یکی از جوانان انقلابی به نام محمد تجلا سیلی محکمی به گوش سرگرد حق شناس نواخت. در پی این عمل جسورانه، سرگرد حق شناس، قلب این جوان را هدف گرفت و با شلیک گلوله ای وی را به شهادت رساند. شهادت این جوان شجاع باعث فوران خشم مردم تبریز گردید.

مردم با حمل جنازه محمد تجلا بر روی دستان خود و با فریادهای "لا اله الا الله" به تشییع پیکر وی پرداختند و هر لحظه شمار مردم خشمگین بیشتر می شد. با پیوستن دانشجویان به مردم، شعارهای درود برخمینی در شهر طنین انداز شد. تظاهرکنندگان بر سر راه خود ساختمان حزب رستاخیز، مجسمه شاه، سینماها، مشروب فروشی ها، مراکز فساد و بانکها و موسسات وابسته به بهائیان را ویران نمودند. نکته جالب توجه اینکه مردم در این روز کوچکترین تعرضی به اموال و اماکن شخصی نکرده و فقط مظاهر دولتی را مورد حمله قرار دادند. با اوج گیری تظاهرات، عملاً شهر از ساعت 9/30 تا 12/30 در کنترل مردم قرار داشت.

محمد رضا پهلوی پس از آگاهی از وقایع تبریز دستور مقابله شدید با تظاهر کنندگان را صادر کرد. جمشید آموزگار نخست وزیر وقت، ضمن تماس با استاندار آذربایجان شرقی، دستور شاه را ابلاغ نمود. ساعت 12/30 با دستور مستقیم شخص شاه، نیروهای ارتش سوار بر تانک و نفربر برای سرکوبی قیام وارد شهر شدند. البته گفته می شود که سربازان ارتش، تیر مستقیم به سوی مردم شلیک نکردند و حاضر به کشتن مردم نبودند، بلکه فقط ساواکی ها بودند که مردم را به خاک و خون کشیدند.

ماموران ساواک بطرز ناجوانمردانه ای مردم را هدف قرار دادند. عده ای از ساواکی ها با سوار شدن بر آمبولانس ناگهان با باز کردن درب آمبولانس، مردم را به رگبار گلوله می بستند. آمار متفاوتی از شهدا، مجروحان و دستگیر شدگان این روز گزارش شده است. طبق آمارهای رسمی، 6 نفر شهید و 125 نفر زخمی شدند ولی آمارهای غیررسمی، تعداد شهدا را 200 نفر و مجروحین را 500 و شمار بازداشت شدگان را نزدیک به هزار نفر اعلام می کند.

قیام خونین مردم تبریز در 29 بهمن 56 حادثه ای بسیار مهم در تاریخ انقلاب اسلامی محسوب می شود. برای اولین بار در این روز، شعار "مرگ بر شاه" بطور علنی سر داده شد و این رو خط قرمز رژیم پهلوی در این روز شکسته شد. علاوه بر شعار پرنطین "درد بر خمینی" شعارهای دیگر این روز عبارت بودند از: "وای اگر خمینی حکم جهادم دهد، کس نتواند که جوابم دهد" و شعار به یادماندنی "بیز بوشاهی ایستمیریخ والسلام" (ما این شاه را نمی خواهیم والسلام).

در پی قیام 29 بهمن تبریز، امام خمینی در سخنرانی خود در نجف اشرف اعلام نمودند که " ما عزادار شهدای قیام 29 بهمن تبریز هستیم". ایشان همچنین در پیامی به همین مناسبت ضمن تسلیت گفتن به مادران داغدیده و پدران مصیبت کشیده ، بر مردان برومند وجوانان غیرتمند تبریز درود فرستاده و نهضت عظیم این شهر را مشیت محکمی بردهان یاوه گویان برشمردند. جالب اینکه امام در این پیام، وعده پیروزی نهایی را نوید دادند.

یکی از ویژگیهای مهم قیام تبریز ، بازتاب جهانی آن بود ، زیرا این قیام در یکی از حساس ترین نقاط ایران رخ داده و دارای گستردگی زیادی بود و نیز تمامی اقشار مردم بلا استثنا در آن شریک بودند. بازتاب قیام تبریز در رسانه های گروهی جهان ، سبب مطرح شدن نهضت و انقلاب در سطح جهان گردید.

رژیم که در برابر قیام مردم تبریز ، درمانده بود ادعا کرد که این قیام ، کار مردم تبریز نبود و افرادی که از آن سوی مرزها وارد کشور شده بودند این حادثه را ایجاد کردند. البته اتهامات بی پایه رژیم به هیچ وجه موثر واقع نشد و قیام تبریز به شهرهای دیگر کشور سرایت کرد. در چهل شهدای مردم تبریز ، مجالس بزرگداشت و قیامهای خونین دیگری در بسیاری از مناطق دیگر از جمله یزد ، قم ، مشهد ، خمین ، اصفهان ، نجف آباد و... برپا شد.

قیام خونین مردم تبریز در 29 بهمن 56 ، ضربه ای سهمگین بر کالبد پوسیده رژیم پهلوی وارد آورد و پیام انقلاب را در داخل کشور در سطح بسیار وسیعی گسترش داد. بار دیگر مردم تبریز با خلق حماسه ای دیگر ، نقش سرنوشت ساز خود در روند نهضت های آزادیخواهانه سده اخیر ایران و نیز انقلاب اسلامی ، ایفا نمودند.

منابع:

1 - زندگینامه سیاسی امام خمینی ، محمد حسن رجبی 2- برهه انقلابی در ایران، علی رضا شجاعی زند 3- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران ، غلامرضا نجاتی 4 - انقلاب اسلامی وریشه های آن ، عباسعلی عمید زنجانی 5- ریشه های انقلاب ایران ، نیکی کدی ، ترجمه عبدالرحیم گواهی 6- سیر تکوینی انقلاب ایران ، جواد منصوری 7- حماسه 29 بهمن تبریز ، به کوشش علی شیرخانی 8- تبریز در انقلاب ، هدایت الله بهبودی